

بررسی رابطه بین سبک شناختی با جهت گیری مذهبی در دانشجویان دانشگاه

شهید مدنی آذربایجان

Investigation of the Relation of Cognitive Style with Religious Orientation of the Students of Azarbaijan Shahid Madani University

Dr. Hassan Yaghoubi

PhD of Psychology, Azarbaijan Shahid Madani University

Razihe Pak *

razihe.pak@gmail.com

Hele Kord

Azarbaijan Shahid Madani University

دکتر حسن یعقوبی

دکترای تخصصی روانشناسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

راضیه پاک (نویسنده مسئول)

کارشناس ارشد روانشناسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

هیله کرد

کارشناس ارشد روانشناسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

چکیده

دین یک نظام عمل مبتنی بر اعتقادات است که در قلمرو ابعاد فکری و اجتماعی در راستای رشد و کمال انسان‌ها عمل می‌کند. مطالعه حاضر با هدف بررسی رابطه بین سبک‌شناختی با جهت‌گیری مذهبی در دانشجویان دانشگاه شهید مدنی آذربایجان انجام شد. پژوهش به روش همبستگی و جامعه‌ی آماری شامل تمامی دانشجویان دانشگاه شهید مدنی آذربایجان در سال تحصیلی ۱۳۹۴ بود. نمونه‌ی مورد بررسی ۲۱۱ نفر از دانشجویان بودند که با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی و پرسشنامه سبک شناختی استفاده گردید. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق روش آماری همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه از طریق برنامه آماری SPSS صورت گرفت. نتایج نشان داد که رابطه معناداری بین سبک شناختی (تجربه‌گرایی و خردگرایی) با جهت‌گیری مذهبی وجود دارد؛ تجربه‌گرایی و خردگرایی رابطه معناداری با مؤلفه مذهب‌گرایی ($p < 0.05$)، ارزنده-سازی ($p < 0.05$) و کامجویی ($P < 0.01$) نشان دادند. نتایج حاکی از آن است که افراد در جهت‌گیری مذهبی هر دو سبک شناختی خردگرایی و تجربه‌گرایی به کار می‌گیرند.

کلید واژه‌ها: جهت‌گیری مذهبی، سبک شناختی

Abstract

Religion is a belief-based activity system which functions in the realms of social and reflective aspects in line with human growth and excellence. Present study was conducted aiming to investigate the relationship between cognitive style and religious orientation of the students of Azarbaijan Shahid Madani University. This research was correlational and Statistical population included all of the students of Azarbaijan Shahid Madani University in the academic year 2015-16. The research sample was comprised of 211 students selected via convenience sampling. Religious orientation and Cognitive style questionnaires were used for data collection. Data analysis was conducted by Pearson correlation statistical method and simultaneous multiple regression via SPSS statistical software. The results depicted that there is a significant relationship between Cognitive Style (experimentalism and rationalism) and religious orientation. Also, experimentalism and rationalism showed a significant relationship with the components of religiosity ($p < 0.05$), praise ($p < 0.05$), and pleasure seeking ($p < 0.01$). The results indicated that individuals employ both experimentalism and rationalism in religious orientation.

Keywords: Religious Orientation, Cognitive Style

ویرایش نهایی: اردیبهشت ۹۸

پذیرش: دی ۹۶

دریافت: مرداد ۹۶

نوع مقاله: پژوهشی

مقدمه

صاحب نظران عقیده دارند که اعتقادات مذهبی و توکل به خدا موجب تسکین و بهبود سریع‌تر آلام و مشکلات روانی می‌شود. حل مشکلات و ناهنجاری‌های روانی بشر و تأمین آرامش، از دغدغه‌های مذاهب توحیدی، به ویژه اسلام شمرده می‌شود و روان‌شناسان به این نقش توجه زیادی کرده‌اند (محمدی، مزیدی، ۱۳۹۳). دین یک نظام عمل مبتنی بر اعتقادات است که در قلمرو و ابعاد فکری و اجتماعی از جانب خداوند برای انسانها در مسیر رشد و کمال به جانب الوهیت ارسال شده و شامل عقاید، باورها، نگرشها و رفتارها است که با هم پیوند داشته و در تدارک احساس جامعیت برای فرد عمل می‌کند (نعیمی، کاظمی، دهقان، ۱۳۹۵). جهت‌گیری مذهبی به نوعی رابطه آدمی با دین و پایبندی به فرامین دینی را انعکاس می‌کند. رابطه آدمی و دین و نسبتی که با آن پیدا می‌کند در مقوله هویت دینی قابل

تبیین و توضیح است. از پیامدهای تکوین هویت دینی احساس تعهد و مسئولیت در قبال ارزش‌ها و باورهای آن مکتب می‌باشد. هویت دینی توانایی آن را دارد که فلسفه ارضا کننده حیاتی برای بشر تنظیم، تدوین و ارائه کند. جهت‌گیری مذهبی مرجعیت بخشیدن به ساختار روابط و مناسبات انسانی در تمام ابعاد آن، در پرتو روابط انسان و خدا می‌داند و اینکه فرد در مناسبات و روابطش تا چه اندازه به آموزه‌ها و انجام رفتارهای توصیه شده دینی، عاقبت‌گرایی و توجه به آخرت نظر دارد و مناسک مذهبی را جدی می‌گیرد (عارفی و محسن‌زاده، ۱۳۹۰). در کل دین یک چارچوب برای تعیین اهداف شخصی فراهم می‌کند و مشخص می‌کند کدام شیوه و روش برای دستیابی به اهداف باید ترجیح داد (موسک^۱، ۲۰۱۵).

داشتن معنا و هدف در زندگی، احساس تعلق داشتن به منبعی والا، امیدواری به یاری خداوند در شرایط مشکل‌زا، بهره‌مندی از حمایت‌های اجتماعی و معنوی از جمله روش‌هایی هستند که افراد در زندگی به کار می‌گیرند (سلیمی بجستانی، حسینی قمی و ذاکری، ۱۳۹۳)، بنابراین انسانها در طول دوران زندگی خود فعال و هدف مدار هستند و در جست‌وجوی ارزش و اهمیت می‌باشند و در پی چیزی می‌روند که در زندگی‌شان ارزش و معنا داشته باشد (وولف، ۱۳۹۱). ارزش‌های دینی فراتر از مرزهای جغرافیایی، ریشه در کتب مقدس مذهبی دارند و این خود یک بینش درونی نسبت به اعتقادات فراهم می‌کند (مینتون، کاله، کیم^۲؛ ۲۰۱۵). در واقع دینداری مرکب از انواع رفتارها، نگرش‌ها و باورهاست. بخشی از پدیده‌ها و واقعیات پیرامون دین، جنبه‌های روان‌شناختی آن است و نه تنها همه ابعاد شناختی و روان‌شناختی، هیجان‌ها، رفتارها، روابط اشخاص، ایده و آرمان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد بلکه از آن‌ها نیز تأثیر می‌پذیرد (سراج‌زاده و رحیمی، ۱۳۹۲). پژوهش‌های مختلفی به عوامل مختلف فرایندهای تفکر و توانایی‌های افراد در جریان تغییر این تفکرات پرداخته است. مسائل مربوط به فرهنگ گذشته (مانند تعصبات و عقاید) از جمله عوامل مهمی به شمار می‌روند که استدلال و الگوهای تصمیم‌گیری را تحت تأثیر قرار می‌دهد (موسک، ۲۰۱۵). بسیاری از پژوهشگران بر این باورند که دو نوع سبک پردازش در افراد وجود دارد؛ در سال‌های اخیر اپستین^۳ و همکاران نظریه شخصی شناختی - تجربه‌گرایی^۴ را مطرح کرده‌اند. بر اساس این نظریه دنیا از طریق دو نظام پردازش اطلاعات خردگرایی^۵ و تجربه‌گرایی^۶ (CEST) در افراد مفهوم سازی م‌شود (رضایی، ۱۳۹۱).

نظام پردازش اطلاعات خردگرایی و تجربه‌گرایی یک دیدگاه کامل در حوزه شخصیت می‌باشد؛ براین اساس پردازش اطلاعات مبتنی بر این است که افراد از هر دو سیستم تجربه‌گرایی؛ نیمه هوشیار، تجربی و دیگری خردگرایی؛ عقلانی (منطقی) و هوشیار، به طور موازی به منظور تفسیر اطلاعات به‌کار می‌گیرند. مبادلات متقابل بین این دو سیستم بر اساس درگیری موقعیت و تکالیف صورت می‌گیرد با عنایت به اینکه سیستم تجربه‌گرایی توسط احساسات هدایت شده و پردازش اطلاعات سریع‌تر و به طور کلی قبل از پردازش منطقی صورت می‌گیرد. در حالی که سیستم خردگرایی توسط تجزیه و تحلیل و عقلانیت هدایت می‌شود. پردازش اطلاعات در این دو سیستم، تأثیر متقابل دارند (اپستین، ۱۹۹۴؛ ۱۹۹۶). مطالعه‌ی بوزدارا، الیب و طارق (۲۰۱۵)، در رابطه بین جهت‌گیری مذهبی با سیستم تفکر خردگرایی - تجربه‌گرایی با مذاهب هندو، مسیحی و مسلمان؛ نشان داد که رابطه معناداری بین جهت‌گیری مذهبی و نوع تفکر منطقی افراد وجود دارد. به طور کلی، جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی نسبتاً با تفکر منطقی در ارتباط می‌باشد، در حالی که جهت‌گیری مذهبی اجتماعی ارتباط منفی با این نوع تفکر دارد. همین‌طور وابستگی‌ها و جهت‌گیری‌های مذهبی اثر بسیار کمی بر تفکر تجربی دارد (الیب^۷، بیوزدارا^۸، ۲۰۱۵). این بدان معناست که نوع تفکر بر جهت‌گیری مذهبی افراد تأثیر گذار می‌باشد.

امروزه بسیاری از روان‌شناسان دریافته‌اند درمان ریشه‌ای بیشتر بیماری‌های روانی از طریق دین و مذهب میسر است (ملفت، مزیدی و سعادت؛ ۲۰۱۰). لذا شناخت مسائل و مواردی که پیش‌بینی می‌شود در جهت‌گیری مذهبی افراد تأثیرگذار باشد در این راستا می‌تواند یاری‌رسان باشد. همانگونه که مشاهده می‌گردد کثرت دین پژوهانی که در عرصه تفکر دینی آثار بلند مدتی برجای گذاشته‌اند، بیانگر اهمیت موضوع می‌باشد. بدون شک یکی از دغدغه‌های تربیتی و آموزشی جامعه نیز پی بردن به زمینه‌ها و عواملی است که انسان را به

¹ musek

² Minton, Kahle & Kim

³ Epstein

⁴ Cognitive-Experiential self theory

⁵ Rationality

⁶ Experientiality

⁷ Alib

⁸ Buzdara

سوی دینداری سوق می‌دهد. باید اذعان داشت با وجود رابطه قوی دینداری با سبک شناختی افراد؛ اما تاکنون پژوهشی در رابطه با جهت‌گیری مذهبی با سبک شناختی افراد صورت نگرفته است. (لااقل از نظر پژوهشگر دور مانده است). آنچه که برمی‌آید نشان‌گر آن است که بررسی رابطه بین سبک شناختی با جهت‌گیری مذهبی در افراد می‌تواند نقش ارزنده و سازنده‌ای در طرح‌های آموزشی و تربیتی خانواده و مراکز آموزشی و همین‌طور نقش کاربردی در مباحث روانشناختی داشته باشد.

روش

این پژوهش از لحاظ نحوه گردآوری اطلاعات و داده‌ها پژوهشی توصیفی از نوع همبستگی است و از نظر هدف، از نوع تحقیقات کاربردی می‌باشد.

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای نمونه

جامعه آماری پژوهش، تمامی دانشجویان دانشگاه شهید مدنی آذربایجان در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ جامعه آمار پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند. نمونه مورد بررسی ۲۱۱ نفر از دانشجویان با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. در پژوهش حاضر از همبستگی و تحلیل رگرسیون برای بررسی فرضیه‌های پژوهش استفاده شده است. در تحلیل رگرسیون نسبت تعداد نمونه (مشاهدات) به متغیرهای پیش‌بین نباید از ۵ کمتر باشد، زیرا در غیر این صورت نتایج حاصل از معادله رگرسیون چندان تعمیم‌پذیر نخواهد بود. نسبت محافظه کارانه‌تر ۱۰ مشاهده به ازای هر متغیر پیش‌بین است. از دیدگاه جیمز استیونس حتی در نظر گرفتن ۱۵ مشاهده به ازای هر متغیر پیش‌بین در تحلیل رگرسیون چندگانه مناسب است (هومن، ۱۳۹۳). ابزار جمع‌آوری داده‌ها در مطالعه حاضر پرسشنامه بود.

ابزار

پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی: مقیاس جهت‌گیری مذهبی از ۴۵ ماده بر اساس مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت تشکیل شده است. ضریب پایایی این فرم بین ۰/۹۱ و ۰/۸۵ گزارش شده است. همچنین روایی محتوایی و سازه آن نیز بررسی و تأیید شده است. و در ایران توسط بهرامی احسان هنجاریابی شده است (بهرامی احسان، حسین زاده، ۱۳۸۳). در پژوهشی میزان مقیاس معبد به عنوان ملاک انتخاب و میزان همگرایی مقیاس جهت‌گیری مذهبی با آن بررسی شده است (بهرامی احسان، ۲۰۰۵). نتایج، از همبستگی بسیار بالای این دو آزمون در تمام زمینه‌ها حکایت دارد (بهرامی احسان، حسین زاده، ۱۳۸۳). این مقیاس دارای ۴ زیر مقیاس است: عامل نخست متشکل از عبارت‌هایی است که به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم رابطه عمیق و قلبی با خدا، رابطه با مردم براساس آموزه‌های دینی، اتخاذ رفتارهای توصیه شده دینی، عاقبت‌گرایی و توجه به آخرت را نشان می‌دهند. این عامل مذهب‌گرایی نام دارد. عامل دوم، سازمان‌نیافتگی است که ویژگی عمومی آن تردید، دودلی، ناخشنودی از زندگی و حیات و پریشانی خاطر است. سومین عامل این مقیاس که ارزنده‌سازی مذهبی نامیده می‌شود، به ارزیابی مثبت و قیده‌های جدی در مناسک مذهبی و ارزنده‌سازی مذهبی می‌پردازد. در این عامل ارزیابی‌های انعطاف‌ناپذیر از مذهب و رفتارهای مذهبی مورد بررسی قرار می‌گیرند. عامل چهارم تحت عنوان کامجویی لذت طلبی و ترجیح آن، عدم اعتقاد عمومی به مذهب، تفسیر شخصی از دستورات مذهبی و لذت‌جویی را مشخص می‌سازد. در این مقیاس برای هر فرد در هر عامل می‌توان یک نمره محاسبه کرد و علاوه بر آن می‌توان یک نمره کلی به دست آورد. برای نمره‌گذاری این مقیاس، شیوه‌ای مبتنی بر تبدیل نمرات خام به نمرات استاندارد طراحی شده است که با توجه به تفاوت نمرات آزمودنی‌ها بر اساس سن و جنس نمره فرد در هر عامل نیز در کل مقیاس محاسبه می‌شود (بهرامی احسان، ۲۰۰۹).

پرسشنامه سبک شناختی: پرسش‌نامه خردگرایی - تجربه‌گرایی (REI) را بر اساس این فرض که دو نظام شناختی موازی در افراد وجود دارد تدوین کردند. این دو نظام عبارتند از نظام خردگرایی و نظام تجربه‌گرایی می‌باشد. نسخه اصلی از ۴۰ سؤال تشکیل شده است و از افراد خواسته می‌شود تا به سؤالات بر اساس مقیاس پنج درجه‌ای لیکرتی (۱=کاملاً مخالفم و ۵=کاملاً موافقم) پاسخ دهند. مقیاس خردگرایی یا نیاز برای شناخت به میزانی که افراد از فعالیت‌های شناختی لذت می‌برند، درگیر می‌شوند یا دوست دارند و یا اجتناب می‌کنند، اشاره دارد (رضایی، ۱۳۹۱).

روش اجرا: در این پژوهش به منظور گردآوری اطلاعات کمی از پرسشنامه‌های استاندارد استفاده شد. پس از تنظیم پرسشنامه‌ها و کسب اجازه از مسئولین دانشگاه و آزمودنی‌ها، پرسشنامه‌های پژوهش در اختیار دانشجویان قرار گرفت. در کلیه مراحل انجام تحقیق، ملاحظات اخلاقی رعایت شد. افرادی وارد مطالعه شدند که علاقه و تمایل به شرکت در مطالعه را داشتند. پرسش‌نامه‌ها ساده و فاقد هرگونه

بررسی رابطه بین سبک شناختی با جهت گیری مذهبی در دانشجویان دانشگاه شهید مدنی آذربایجان
Investigation of the Relation of Cognitive Style with Religious Orientation of the Students of Azarbaijan

ضرری برای فرد بود و هیچ‌گونه مخارج و هزینه‌ای برای شرکت‌کنندگان در برداشت؛ در صورتی که در خلال تکمیل پرسشنامه‌ها، فرد تمایلی برای ادامه همکاری نداشت، ممانعتی به عمل نمی‌آمد. بدین صورت ابتدا با کسب رضایت آگاهانه از دانشجویان پرسش‌نامه‌های پژوهش در اختیار آن‌ها قرار گرفت. سپس توضیحات لازم از سوی پژوهشگر درباره نحوه تکمیل پرسشنامه به دانشجویان ارائه شد. از آزمودنی‌ها خواسته شد که اگر در فرایند تکمیل پرسشنامه‌ها با مشکلی مواجه شدند از پژوهشگر سؤال کنند. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها به این صورت که فرضیه‌های پژوهش از طریق روش آماری همبستگی پیرسون و رگرسیون سلسله مراتبی تحلیل شد. تحلیل‌های آماری مذکور از طریق برنامه آماری SPSS، نسخه ۲۱ صورت گرفت.

نتایج

تجزیه و تحلیل داده‌های مطالعه با استفاده از نرم افزار SPSS-۲۱ صورت گرفت. رابطه بین متغیرها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون بررسی شده است و برای پیش بینی نقش جهت گیری مذهبی در دانشجویان بر اساس سبک شناختی از تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شده است.

جدول ۱ اطلاعات جمعیت شناختی دانشجویان شرکت کننده در پژوهش را نشان می‌دهد. در جدول ۲ شاخص‌های میانگین و انحراف استاندارد و ماتریس همبستگی متغیرهای پیش‌بین و ملاک ارائه گردیده است.

جدول شماره ۱- اطلاعات جمعیت شناختی دانشجویان شرکت کننده در پژوهش

| فراوانی | درصد | |
|---------|-------|-------|
| ۱۲۴ | ۵۷/۷ | زن |
| ۸۷ | ۴۰/۵ | مرد |
| ۶۲ | ۲۸/۸ | متاهل |
| ۱۴۵ | ۶۷/۴ | مجرد |
| ۲۱۱ | ۱۰۰/۰ | کل |

همانگونه که ملاحظه می‌گردد؛ در این پژوهش ۲۱۱ نفر از دانشجویان بررسی شدند که ۱۲۴ نفر زن (۵۷/۷٪) و ۸۷ نفر مرد (۴۰/۵٪) و میانگین سنی آنان ۲۵ سال بود. افراد مورد مطالعه (۲۸/۸٪) متاهل و ۶۷/۴ درصد مجرد بودند. به منظور بررسی رابطه بین مؤلفه‌های جهت گیری مذهبی و سبک شناختی از روش همبستگی پیرسون استفاده گردید و نتایج حاصل در جدول ۲ مندرج گردید.

جدول ۲- شاخص‌های میانگین و انحراف استاندارد و ماتریس همبستگی بین جهت گیری مذهبی و سبک شناختی (N=۲۱۱)

| | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ |
|-------------------|---------|---------|----------|----------|--------|-------|
| ۱. مذهبی گرایی | | | | | | |
| ۲. سازمان‌نیافتگی | ۰/۲۹۰** | | | | | |
| ۳. ارزنده سازی | ۰/۲۰۷** | ۰/۱۶۱* | | | | |
| ۴. کامجویی | ۰/۲۸۳** | ۰/۲۷۴** | ۰/۱۱۷* | | | |
| ۵. تجربه گرایی | ۰/۱۵۱* | -۰/۱۳۴* | ۰/۱۸۷* | -۰/۳۹۴** | | |
| ۶. خردگرایی | ۰/۲۴۰** | -۰/۱۰۵* | -۰/۲۰۰** | ۰/۲۹۳** | ۰/۱۵۷* | |
| میانگین | ۵۵/۶۰ | ۴۴/۳۷ | ۱۶/۱۰ | ۱۷/۵۰ | ۶۱/۸۶ | ۵۳/۰۴ |
| انحراف استاندارد | ۵/۷۲ | ۵/۲۸ | ۲/۹۸ | ۳/۴۱ | ۱۰/۹۴ | ۱۰/۰۴ |

P < ۰/۰۵ *, P < ۰/۰۱ **

جدول ۲ ماترس همبستگی جهت‌گیری مذهبی و سبک‌شناختی در دانشجویان دانشگاه شهید مدنی آذربایجان را نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود بین خرد‌گرایی با مذهب‌گرایی ($r=0/240, p<0/01$)، سازمان‌نیافتگی ($r=0/105, p<0/05$)، ارزنده‌سازی ($r=0/200, p<0/01$) و کامجویی ($r=0/293, p<0/01$) همبستگی معناداری وجود دارد. که بین سازمان‌نیافتگی و ارزنده‌سازی رابطه منفی وجود دارد. بین تجربه‌گرایی با مذهب‌گرایی ($r=0/151, p<0/05$)، سازمان‌نیافتگی ($r=0/134, p<0/05$)، ارزنده‌سازی ($r=0/187, p<0/05$) و کامجویی ($r=0/394, p<0/01$) همبستگی معناداری وجود دارد. که بین سازمان‌نیافتگی و کامجویی رابطه منفی وجود دارد.

به منظور بررسی این فرضیه که مذهب پیش‌بینی‌کننده سبک‌شناختی است. از روش رگرسیون چندگانه استفاده شد به طوری که هریک از ابعاد مذهب (مذهب‌گرایی، سازمان‌نیافتگی مذهبی، ارزنده‌سازی مذهبی و کامجویی) به عنوان متغیرهای پیش‌بین و مولفه‌های سبک‌شناختی (تجربه‌گرایی و خرد‌گرایی) به عنوان متغیر ملاک در نظر گرفته شد. نتایج رگرسیون چندگانه برای تعیین عوامل پیش‌بینی‌کننده در جدول ۳ و ۴ آمده است.

جدول ۳- نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه برای پیش‌بینی جهت‌گیری مذهبی توسط ابعاد سبک‌شناختی

| SE | R ² | R | P | F | Ms | df | SS | |
|-------|----------------|-------|-------|--------|---------|-----|-----------|-----------|
| ۹/۵۷۳ | ۰/۲۲۹ | ۰/۴۷۹ | ۰/۰۰۰ | ۱۵/۲۵۵ | ۵۷۳/۵۷۶ | ۴ | ۲۲۹۴/۳۰۴ | رگرسیون |
| | | | | | ۹۱/۶۴۶ | ۲۰۵ | ۱۸۷۸۷/۳۹۲ | باقیمانده |
| | | | | | | ۲۰۹ | ۲۱۰۸۱/۶۹۵ | کل |

نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که F مشاهده شده معنادار است ($F=15/255$) و متغیرهای پیش‌بین با هم $0/229$ واریانس جهت‌گیری مذهبی را تبیین می‌کنند. همبستگی چندگانه بین متغیرها نیز $0/479$ به دست آمد.

جدول ۴- نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه برای پیش‌بینی جهت‌گیری مذهبی توسط ابعاد سبک‌شناختی

| F Change | R ² | R | sig | t | B | β | متغیر پیش‌بین | متغیر ملاک |
|----------|----------------|-------|-------|--------|--------|---------|----------------------|-------------|
| ۱۵/۲۵۵ | ۰/۲۲۹ | ۰/۴۷۹ | ۰/۱۰۴ | ۱/۶۳۵ | -۰/۲۱۰ | -۰/۱۱۰ | مذهب‌گرایی | مذهب‌گرایی |
| | | | ۰/۰۰۰ | -۴/۳۴۶ | -۰/۵۹۷ | -۰/۲۸۸ | سازمان‌نیافتگی مذهبی | مذهب‌گرایی |
| | | | ۰/۹۳۰ | -۰/۰۸۹ | -۰/۰۲۱ | -۰/۰۰۶ | ارزنده‌سازی مذهبی | مذهب‌گرایی |
| | | | ۰/۰۰۰ | ۶/۷۴۵ | ۱/۴۱۹ | ۰/۴۴۳ | کامجویی مذهبی | مذهب‌گرایی |
| ۶/۲۵۹ | ۰/۱۰۹ | ۰/۳۳۰ | ۰/۰۰۰ | ۳/۶۹۴ | ۰/۴۶۹ | ۰/۲۶۷ | مذهب‌گرایی | تجربه‌گرایی |
| | | | ۰/۰۱۹ | -۲/۳۵۹ | -۰/۳۲۰ | -۰/۱۶۸ | سازمان‌نیافتگی مذهبی | تجربه‌گرایی |
| | | | ۰/۰۴۴ | ۲/۰۱۳ | ۰/۴۶۳ | ۰/۱۳۷ | ارزنده‌سازی مذهبی | تجربه‌گرایی |
| | | | ۰/۷۴۴ | -۰/۳۲۷ | ۰/۰۶۹ | -۰/۰۲۳ | کامجویی مذهبی | تجربه‌گرایی |

همانگونه که در جدول شماره ۴ ملاحظه می‌گردد نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چندگانه نشان می‌دهد که بعد سازمان‌نیافتگی مذهبی ($p<0/05$ و $t=4/346$ و $\beta=0/288$) به صورت منفی و کامجویی مذهبی ($p<0/05$ و $t=6/745$ و $\beta=0/443$) به صورت مثبت سبک‌شناختی خرد‌گرایی را پیش‌بینی می‌کند.

بعد مذهب‌گرایی ($p<0/05$ و $t=3/694$ و $\beta=0/267$) به صورت مثبت و سازمان‌نیافتگی مذهبی ($p<0/05$ و $t=2/359$) و تجربه‌گرایی ($p<0/05$ و $t=2/013$ و $\beta=0/137$) به صورت مثبت سبک‌شناختی تجربه‌گرایی را پیش‌بینی می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون مبنی بر رابطه سبک شناختی و جهت گیری مذهبی در دانشجویان نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین جهت‌گیری مذهبی و سبک‌شناختی وجود دارد؛ اگرچه در زمینه تدوین متغیرهای ابعاد سبک شناختی؛ تجربه‌گرایی و خردگرایی در رابطه با مولفه‌های جهت‌گیری مذهبی؛ مذهب‌گرایی، سازمان‌نافتگی، ارزنده‌سازی و کامجویی مطالعات اندکی صورت گرفته است اما یافته‌های بدست آمده با یافته‌های بوزدارا، الیب و طارق (۲۰۱۵) که در رابطه با نوع سبک‌شناختی و جهت‌گیری مذهبی اسلامی و مسیحی صورت گرفته است، همسو می‌باشد؛ نتایج مطالعه آنان نشان داد که بین جهت‌گیری مذهبی و نوع تفکر منطقی افراد رابطه معناداری وجود دارد (الیب، بیوزدارا، ۲۰۱۵). مطالعه نعیمی، کاظمی، دهقان (۱۳۹۵) نیز نشان داد که بین باورهای غیر منطقی با جهت‌گیری بیرونی رابطه مثبت و معنی‌دار و بین باورهای غیرمنطقی و جهت‌گیری درونی ارتباط منفی و معنادار وجود دارد. این پژوهشگران تبیین کردند که افرادی که جهت‌گیری دینی درونی دارند؛ یعنی معتقدند که دین در ذات آن‌ها ریشه دارد، طبیعی می‌نماید که در مقایسه با افرادی که دین بیرونی دارند؛ یعنی دین را وسیله‌ای برای دست‌یابی به چیز دیگری می‌دانند، بیشتر مسئول هیجانان و عواطف خود باشند.

نتایج مطالعه شیبانی، نریمانی و محرمی حاکی از آن بود که بین مذهب‌گرایی و مولفه شخصی روان‌آزدگی همبستگی منفی و بین مذهب‌گرایی و برون‌گرایی، وظیفه‌شناسی و توافق همبستگی مثبت وجود دارد. آنها دریافتند که افرادی که مذهبی‌ترند، برون‌گراتر، وظیفه‌شناس‌تر و از بهداشت روانی بالاتری برخوردارند (شیبانی، نریمانی و محرمی، ۱۳۹۴).

در تبیین رابطه بین سبک شناختی و جهت‌گیری مذهبی می‌توان بیان کرد؛ مذهب‌گرایی به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم رابطه‌ی عمیق و قلبی با خدا، رابطه با مردم براساس آموزه‌های دینی، اتخاذ رفتارهای توصیه شده دینی، عاقبت‌گرایی و توجه به آخرت را نشان می‌دهند (شیبانی و همکاران، ۱۳۹۴). همانگونه که مشخص است هر فردی بنا به ارتباط قلبی خود (شهود) و همینطور با تفکر به دنبال یک منبع معنوی قوی می‌باشد. اغلب جامعه‌شناسان و روان‌شناسان نیز مذهب را ناشی از یک نیاز فطری و طبیعی می‌دانند. به اعتقاد هانری برگسون^۱ (۱۸۵۹) امکان ندارد علاقه به دین و خدا نابود شود؛ پس هیچ تمدن و فرهنگی نزد هیچ قومی بدون وجود شکلی از مذهب وجود ندارد (شمس‌الدینی، ۱۳۹۴). آرگایل (۱۹۵۹) باور دارد؛ ساز و کار اصلی در پس عقاید مذهبی نوعی میل کاملاً شناختی به فهمیدن است (اسپیکلا و همکاران، ۱۳۹۰).

همین‌طور به ارزیابی مثبت و قیدهای جدی در مناسک مذهبی و ارزنده‌سازی مذهبی می‌پردازند و ارزیابی‌های انعطاف‌ناپذیر از مذهب و رفتارهای مذهبی را مورد بررسی قرار می‌دهند. اگرچه گاهی نیز میل دارند بدون هیچ تلاشی به صورت خودکار و سریع عمل کنند و به خواسته‌های خود جامعه عمل ببوشانند (بهرامی حسامی، پورنقاش تهرانی، ۱۳۸۸). به هر حال افراد چه بر اساس غریز و احساسات درونی و چه با اتکا بر عناصر اصلی مسائل و پیامدها به دنبال شناخت دنیای پیرامون خود و حل و فصل مسائل و مشکلات می‌باشند (اپستین، ۲۰۱۳) و بدین طریق آرامش روح و روان را پی‌ریزی می‌کنند. بنابراین سعی می‌کنند با کمترین تردید و دولی پیش روند. هرچه سطح دینداری فرد بیشتر باشد، به تبع آن، معنایی که به خود و جهان اطرافش می‌دهد، توأم با احساس ارزشمندی و هدفمندی است؛ به گونه‌ای که زمان پیدایش تنش و استرس همانند سپر عمل کرده و موجب می‌شود فرد به واسطه باورهای شناختی خود، فشار روانی را تعدیل کند و به عنوان میانجی بر فرایند فکری و ارزیابی رویدادهای روزمره زندگی تأثیر می‌گذارد (جلیلیان کاسب، حجت‌خواه، رشیدی، ۱۳۹۵).

از سویی افراد در پردازش اطلاعات سبک متفاوتی به کار می‌گیرند برخی تمایل دارند تفکر منطقی و برخی تفکر تجربی را ترجیح می‌دهند و جهت‌گیری مذهبی عامل تأثیر گذاری بر این سبک تفکر می‌باشد. یافته‌های بوزدارا، الیب و طارق (۲۰۱۵) نشان داد که رابطه معناداری بین جهت‌گیری مذهبی و نوع تفکر منطقی افراد وجود دارد. به طور کلی، جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی نسبتاً با تفکر منطقی در ارتباط می‌باشد، در حالی که جهت‌گیری مذهبی اجتماعی ارتباط منفی با این نوع تفکر دارد. و همینطور وابستگی‌ها و جهت‌گیری‌های مذهبی اثر بسیار کمی بر تفکر تجربی دارد (الیب، بیوزدارا، ۲۰۱۵). سبک خردگرایی سطوح بالایی از منابع شناختی را می‌طلبد و بیشتر کلامی، تحلیلی، آگاهانه و به نسبت کند است، که از طریق قوانین منطقی استنتاج عمل می‌کند. این نظام رفتارها را از طریق ارزیابی آگاهانه رویدادها میانجی‌گری می‌کند. در مقابل، سبک تجربه‌گرایی فطری و انطباقی است و به ما این امکان را می‌دهد تا از تجربه یاد بگیریم. این نظام رفتارها را از طریق رمزگردانی پیامدهای قبلی، به ویژه آن تجاربی که بار هیجانی دارند، از طریق اجتناب از هیجانان منفی و تسهیل هیجانان مثبت تحت تأثیر قرار می‌دهد. به عبارت دیگر می‌توان گفت که نظام تجربه‌گرایی ناآگاهانه، خودکار بدون تلاش، شهودی و به نسبت سریع و مرتبط با روابط بین شخصی و هیجانی است و بر طبق اصول اکتشافی عمل می‌کند. پردازش

¹ Bergsn,H.

اطلاعات خردگرایی از طریق جستجوی فعال دانش به ویژه از طریق آموزش رسمی گسترش می‌یابد؛ در حالی که پردازش تجربه‌گرایی یا شهود گرایی از طریق تجارب زندگی گسترش می‌یابد (رضایی، ۱۳۹۱).

افراد در پردازش اطلاعات سبک متفاوتی به کار می‌گیرند برخی تمایل دارند تفکر خردگرایی و برخی تفکر تجربه گرایی را ترجیح می‌دهند و جهت گیری مذهبی افراد می‌تواند در تمایل افراد به انتخاب سبک های شناختی در موقعیت های متفاوت تأثیر گذار باشد. درعین حالی که دو نظام خرد گرایی و تجربه گرایی مستقل از هم می‌باشند افراد از هر دو سبک بهرمنند شوند (اسنچز^۱، بروکال^۲، النوس^۳؛ ۲۰۱۲). به طور عمده بسته به پیچیدگی تکالیف، تفکر شهودی (تجربه گرایی) می‌تواند به طور قدرتمند و دقیقی کارگشا باشد (فلیپس، فلچر و مارکس^۴، ۲۰۱۶). در زمان‌هایی که تکالیف نمی‌تواند به طور منطقی (خردگرایی) قابل اجرا باشند، برای مثال، هنگامی که نیاز به تشخیص الگو یا زمانی که پیچیدگی و فشار زمان بالاست، ممکن است سبک تفکر شهودی (تجربه گرایی) سودمندتر باشد (آکینسی و سالدر و اسمیت^۵، ۲۰۱۳).

اپستین ادعا می‌کند که اگر حالت تجربی (تجربه گرایی) به طور مؤثر بارگذاری شود پردازش اطلاعات به صورت منطقی (خردگرایی) خواهد بود در غیر اینصورت احساسات آزاد خواهند شد. سیستم تجربه گرایی دارای تأثیر مثبت بر حالت خردگرایی، در صورتی می‌تواند ناسازگارانه باشد که فرد درگیر وظایف بلند مدت مخرب گردد (اپسین، ۲۰۱۳). بنابراین پردازش شهودی (تجربه گرایی) نیمه آگاهانه، اغلب با احساسات تداعی شده، سریع و اتوماتیک اجرا می‌گردد، و پردازش منطقی (خردگرایی) آهسته، مشورتی، قانون مدار، در درجه اول کلامی و آگاهانه صورت می‌گیرد (براون، پینیوک، گودین و مک هنری^۶، ۲۰۱۴).

آموزه‌های دینی به ویژه با تفسیری که ائمه معصومین (ع) ارائه کرده‌اند، جهت‌گیری مذهبی را رویکردی عمیقاً درونی ارزیابی می‌کنند که محصول آن تحقق نظام جامعی از مجموعه روابط انسان با خدا، آخرت، دنیا، دیگران و خود است. این نظام تفسیری در صورتی که مبنا قرار گیرد، دیگر نمی‌توان تنها به تظاهرات صوری آئین‌ها اکتفا کرد و برای ارزشیابی آن باید ابعاد عمیق تر این جهت گیری‌ها بازشناسی شود (بهرامی احسان، ۱۳۸۰).

پژوهش حاضر فقط روی دانشجویان انجام گرفته است در تعمیم آن بایستی جانب احتیاط را به عمل آورد. پیشنهاد می‌گردد چنین پژوهشی در گروه‌های دیگر به خصوص نوجوانان و در فرهنگ‌های دیگر نیز تکرار شود. نتایج چنین پژوهش‌هایی می‌تواند در شناخت همبسته‌های جهت‌گیری مذهبی و ارتقای معنویت دانشجویان مفید باشد.

منابع

- اسپیلکا، برنارد. دبیلو هود، رالف. هونسبرگر، بروس. گرساچ، ریچارد. (۱۳۹۰). *روان شناسی دین: براساس رویکرد تجربی*. ترجمه محمد دهقانی. تهران، رشد.
- بهرامی احسان، هادی. (۱۳۸۰). «بررسی مقدماتی میزان اعتبار و قابلیت اعتماد مقیاس جهت‌گیری مذهبی». *مجله روان شناسی و علوم تربیتی* / شماره ۱/ص ۶۷-۹۰.
- بهرامی احسان، هادی؛ پورنقاش تهرانی، سعید. (۱۳۸۸). رابطه ابعاد شخصیت و جهت‌گیری مذهبی. فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناسی. ۴(۱۳)، ۱-۱۴.
- جلیلیان کاسب، فاطمه؛ حجت خواه، محسن؛ رشیدی، علیرضا. (۱۳۹۵). بررسی نقش میانجی‌گری سرسختی روان شناختی در رابطه بین جهت‌گیری مذهبی، خودکارآمدی و خودپنداره با گرایش به اعتیاد. فصلنامه اعتیاد پژوهشی سوء مصرف مواد. ۱۰(۴۰)، ۱۶۰-۱۴۵.
- سراج‌زاده، سیدحسین؛ رحیمی، فرشید. (۱۳۹۲). رابطه دینداری با معناداری زندگی در یک جمعیت دانشجویی. راهبرد فرهنگ. ۲۴(۲)، ۳۰-۸.
- سلیمی بجستانی، حسین؛ حسینی قمی، طاهره؛ ذاکری، نرگس. (۱۳۹۳). ارتباط جهت‌گیری مذهبی و امیدواری با اضطراب سلامت در زنان پرستار بیمارستان امام خمینی (ره) تهران. پژوهش پرستاری. ۱(۱)، ۹-۲۴-۱۷.

¹ Sánchez

² Berrocal

³ Alonso

⁴ Phillips, Fletcher & Marks

⁵ Akinci & Sadler-Smith

⁶ Browne, Pennycook, Goodwin & McHenry

بررسی رابطه بین سبک شناختی با جهت گیری مذهبی در دانشجویان دانشگاه شهید مدنی آذربایجان
Investigation of the Relation of Cognitive Style with Religious Orientation of the Students of Azarbaijan

- شمس الدینی، نرگس. (۱۳۹۴). سیره نظری و عملی پیامبر و معصومان و نقش آن در پیشرفت تاریخی ایران. چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. ۳۱ اردیبهشت.
- شیبانی، حسین؛ نریمانی، محمد؛ محرمی، جعفر. (۱۳۹۴). بررسی رابطه جهت گیری مذهبی با صفات شخصیتی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی و پیام نور شهرستان دامغان. فرهنگ در دانشگاه اسلامی. ۱۴(۱)، ۷۶-۵۵.
- رضائی، اکبر. (۱۳۹۱). «بررسی ساختار عاملی و پایایی پرسش نامه سبک های پردازش اطلاعات شهودی- خردگرایانه در جامعه دانشجویان». تحقیقات علوم رفتاری / شماره ۱ / ص ۲۸-۲۰.
- عارفی، مختار؛ محسن زاده، فرساد. (۱۳۹۰). ارتباط بین جهت گیری مذهبی و سلامت روان و جنسیت. حقوق و توسعه (تحقیقات زنان). ۵(۳)، ۱۲۶-۱۴۱.
- محمدی، حمیده؛ مزیدی، محمد. (۱۳۹۳). نقش دینداری در پیش بینی راهبردهای تنظیم شناختی هیجان دانشجویان. فرهنگ در دانشگاه اسلامی. دوره ۴ شماره ۱۳ صص. ۶۰۵-۶۲۰.
- نعیمی، ابراهیم؛ کاظمی، زینب؛ دهقان، کبری. (۱۳۹۵). تحلیل کانونی رابطه بین جهت گیری مذهبی و باورهای غیر منطقی در سالمندان. فصلنامه مطالعات روانشناسی بالینی. ۶(۲۳)، ۱۷۹-۱۹۹.
- وولف، دیوید ام. (۱۳۹۱). روانشناسی دین. مترجم محمد دهقانی. تهران: رشد. ویرایش دوم.
- هومن، حیدر. (۱۳۹۳). تحلیل داده‌های چند متغیری. تهران: انتشارات پیک فرهنگ.

- Akinci, C., & Sadler-Smith, E. (2013). Assessing individual differences in experiential (intuitive) and rational (analytical) cognitive styles. *International Journal of Selection and Assessment*, 21(2), 211-221.
- Browne, M., Pennycook, G., Goodwin, B., & McHenry, M. (2014). Reflective minds and open hearts: Cognitive style and personality predict religiosity and spiritual thinking in a community sample. *European Journal of Social Psychology*, 44(7), 736-742.
- Buzdar, M. A., Ali, A., & Tariq, R. U. H. (2015). Religious orientations as a predictor of rational thinking among secondary school students. *Thinking Skills and Creativity*, 16, 1-8.
- Phillips, W. J., Fletcher, J. M., Marks, A. D., & Hine, D. W. (2016). Thinking styles and decision making: A meta-analysis. 142(3), 260-290.
- Epstein, S. (1994). Integration of the cognitive and the psychodynamic unconscious. *American psychologist*, 49(8), 709-724.
- Epstein, S., Pacini, R., Denes-Raj, V., & Heier, H. (1996). Individual differences in intuitive-experiential and analytical-rational thinking styles. *Journal of personality and social psychology*, 71(2), 390-405.
- Epstein, S. (2013). Self-Esteem from the Perspective of Cognitive-Experiential Self-Theory. *Self-esteem issues and answers: A sourcebook of current perspectives*, 69-150.
- Minton, E. A., Kahle, L. R., & Kim, C. H. (2015). Religion and motives for sustainable behaviors: A cross-cultural comparison and contrast. *Journal of Business Research*, 68(9), 1937-1944.
- Musek. The theories of religion and spirituality in psychology and cognitive sciences. 2015. ResearchGate.
- Moltafet, G., Mazidi, M., & Sadati, S. (2010). Personality traits, religious orientation and happiness. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 9, 63-69.
- Sánchez, E., Fernández-Berrocal, P., Alonso, D., & Tuma, E. (2015). Measuring both systems of reasoning: a study of the predictive capacity of a new version of the Rational-Experiential Inventory. *European Journal of Education and Psychology*, 5(2), 121-132.